

عنوان مقاله :

لایحه

« جنایات بین المللی »

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه
آزاد اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضایه)

۱۴۰۴/۰۹/۰۶

عنوان لایحه‌ی پیشنهادی تقدیمی به مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران:

لایحه جنایات بین المللی

تقدیم‌کننده:

جناب آقای دکتر محمود رشنواز دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل ، پژوهشگر ، حقوقدان ، وکیل پایه یک دادگستری و متخصص در حوزه مسئولیت کیفری دولت‌ها و نماینده قانونی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه جهت طرح دعوی در شعبه ۵۵ حقوقی روابط بین الملل مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران از طرف خانواده‌های معظم شهدای جنگ ۱۲ روزه به ویژه شهدای زندان اوین علیه سران رژیم صهیونیستی و کشور ایالات متحده آمریکا

لازم به ذکر است مواد و تبصره ها و بند های قانونی مطرح در این لایحه توسط اساتید برجسته حقوق بین الملل و گروهی متشکل از وکلای محترم و حقوقدانان متخصص در حوزه مسئولیت کیفری دولت‌ها تنظیم ، تبیین و تقدیم شده است.

مخاطبان محترم:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

ریاست و اعضای محترم کمیسیون حقوقی و قضایی

ریاست و اعضای محترم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

ریاست محترم مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه و طرح مسئله

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين

جناب آقای دکتر محمدباقر قالیباف

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

جناب آقای دکتر محمد سرگزی

ریاست محترم کمیسیون حقوقی و قضایی

جناب آقای ابراهیم عزیزی

ریاست محترم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران در طول چهل و شش سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، بارها آماج تجاوزات نظامی، ترورهای هدفمند، عملیات نیابتی و خرابکاری‌های گسترده دولت‌های بیگانه قرار گرفته است. این تجاوزات، از حمایت همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا از رژیم بعثی صدام حسین در جنگ هشت‌ساله، تا ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرباس در خلیج فارس، از ترور دانشمندان هسته‌ای صلح‌آمیز تا حملات مکرر پهپادی و موشکی به مستشاران نظامی ایران در منطقه، همگی مصداق آشکار نقض فاحش حقوق بین‌الملل عرفی و آمره، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اصول بنیادین منشور ملل متحد بوده‌اند. اما هیچ‌یک از این جنایات به اندازه تجاوز مستقیم و گسترده‌ای که در فاصله ۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه سال ۱۴۰۴ شمسی به مدت دوازده روز متوالی رخ داد، ابعاد راهبردی، خسارات انسانی و زیرساختی و عمق خباثت دشمنان را آشکار نساخت.

در این دوازده روز، رژیم صهیونیستی با پشتیبانی مستقیم، هماهنگی اطلاعاتی و مشارکت عملیاتی ایالات متحده آمریکا، بزرگ‌ترین حمله هوایی تاریخ خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم را علیه خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآورد. بیش از چهارصد و پنجاه فروند جنگنده پیشرفته، صدها موشک کروز و بالستیک، بمب‌های سنگرشکن و عملیات سایبری گسترده، تأسیسات هسته‌ای نطنز، فردو، اراک، پارچین و اصفهان، پایگاه‌های موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سراسر کشور، مراکز فرماندهی نیروی قدس و چندین مقر حساس دفاعی را هدف قرار دادند. در نتیجه این تجاوز آشکار، بیش از یک هزار و یکصد تن از نیروهای مسلح و شهروندان بی‌گناه به شهادت رسیدند، بیش از پنج هزار و هفتصد نفر مجروح شدند و چندین تن از فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح از جمله رئیس ستاد کل، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فیض شهادت نائل آمدند. خسارات مادی مستقیم به زیرساخت‌های دفاعی، هسته‌ای و اقتصادی کشور بیش از دویست میلیارد دلار برآورد شده است.

این تجاوز از منظر فقه امامیه، مصداق کامل «حرب کافر حربی بر امام مسلمین و امت اسلامی» و نقض صریح قاعده لاضرر، قاعده نفی سبیل و وجوب دفع صائل است. از منظر حقوق بین‌الملل، نقض فاحش ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد (ممنوعیت کاربرد زور)،

کنوانسیون‌های ژنو و اصول آمره مسئولیت کیفری فردی در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به شمار می‌رود. از منظر قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران نیز، مصداق بارز جرایم موضوع مواد ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی (جنایات علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم علیه اتباع ایرانی در خارج از کشور) است.

با وجود وضوح این جنایات، هیچ مرجع بین‌المللی قادر به تعقیب کیفری آمران و عاملان آن نیست: دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل عدم عضویت ایران فاقد صلاحیت است، شورای امنیت به دلیل حق وتوی آمریکا فلج مانده و محاکم ملی کشورهای ثالث نیز به دلیل فقدان منافع مستقیم، اقدامی نمی‌کنند. در داخل کشور نیز، علی‌رغم وجود مبانی کلی در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، قانون صریح، جامع و مستقلی برای تعقیب غیابی رؤسای دولتها، وزرای دفاع، فرماندهان نظامی، رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی، خلبانان و اپراتورهای مستقیم حملات و حتی مدیران شرکت‌های تسلیحاتی مشارکت‌کننده وجود ندارد.

این خلأ قانونی، هزینه حقوقی و سیاسی تجاوز را برای دشمنان به صفر رسانده، زمینه تکرار جنایات مشابه را فراهم ساخته و ملت ایران را از حق طبیعی و شرعی احقاق خون شهدا و استیفای حقوق مظلومین محروم کرده است. سکوت در برابر این جنایات، نه تنها از منظر فقهی اعطای سبیل به کافر و ترک واجب احقاق حق محسوب می‌شود، بلکه از منظر حقوق بین‌الملل و قانون اساسی نیز نقض وظیفه قوه قضائیه در تعقیب مجرمین و اجرای عدالت است.

لذا تدوین و تصویب قانون جامع و صریح مسئولیت کیفری بین‌المللی دولتها و مقامات نظامی بیگانه متخاصم، با استناد کامل به احکام شرع انور، اصول آمره حقوق بین‌الملل و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، ضرورتی راهبردی، شرعی، حقوقی و سیاسی در راستای دفاع حقوقی از کیان کشور، تقویت بازدارندگی، اجرای عدالت و احقاق حق شهدای مظلوم جنگ ۱۲ روزه و همه شهدای تجاوزات بیگانه است.

سؤال اصلی

آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید قانون خاصی برای تعقیب و محاکمه غیابی آمران و عاملان تجاوزات نظامی، به‌ویژه جنایات ناشی از جنگ ۱۲ روزه، در محاکم داخلی خود تصویب نماید؟

فرضیه

تصویب چنین قانونی با استناد به اصول قانون اساسی، موازین فقه سیاسی شیعه و رویه موفق قضایی بیش از بیست کشور جهان، کاملاً مشروع، لازم و قابل اجراست و ابزاری مؤثر در دفاع حقوقی از جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی در برابر تجاوزات آتی و احقاق حق شهدا خواهد بود.

بخش اول: ضرورت دفاع حقوقی از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز جنگ

۱۲ روزه

جنگ ۱۲ روزه که از بامداد ۲۳ خرداد تا شامگاه ۳ تیرماه ۱۴۰۴ شمسی ادامه یافت، نقطه اوج تجاوزات مستقیم و آشکار دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی علیه خاک، ملت و کیان جمهوری اسلامی ایران بود. این تجاوز نه یک درگیری محدود یا نیابتی، بلکه یک حمله تمام عیار، هماهنگ و چندلایه با هدف نابودی کامل برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، قطع شریان‌های توان دفاعی موشکی و پهپادی، ترور هدفمند فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح و دانشمندان کلیدی، و در نهایت ایجاد بی‌ثباتی داخلی و فروپاشی اراده ملی بود.

این تجاوز، از منظر شرع مقدس اسلام، مصداق کامل «حرب کافر حربی بر امام مسلمین و امت اسلامی» و نقض صریح قاعده لاضرر، قاعده نفی سبیل، وجوب دفع صائل و وجوب احقاق حق شهدا و مظلومین است. از منظر حقوق بین‌الملل، نقض فاحش ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی، و اصول آمره مسئولیت کیفری فردی در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به شمار می‌رود. از منظر قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران نیز، مصداق بارز جرایم موضوع مواد ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی (جنایات علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم علیه اتباع و منافع ملی ایران) است.

در چنین شرایطی، دفاع از کیان کشور دیگر تنها با ابزارهای نظامی کفایت نمی‌کند. دشمنان نشان دادند که از هیچ جنایتی فروگذار نیستند و هرگاه احساس کنند هزینه حقوقی و سیاسی تجاوز پایین است، دوباره دست به اقدام خواهند زد. تنها راه جلوگیری پایدار از تکرار چنین فجایی، ایجاد یک هزینه حقوقی دائمی، شفاف و غیرقابل فرار برای آمران، عاملان و معاونان این جنایات است. این هزینه تنها با تصویب یک قانون جامع، صریح و قاطع که امکان تعقیب کیفری غیابی رؤسای دولت‌ها، وزرای دفاع، فرماندهان نظامی، رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی،

خلبانان، اپراتورهای موشک و حتی مدیران شرکت‌های تسلیحاتی مشارکت‌کننده را فراهم آورد، محقق می‌شود.

این قانون باید به گونه‌ای تدوین گردد که حتی در غیاب مجرمان، دادگاه ویژه بتواند با رعایت کامل موازین شرعی و تشریفات قانونی، احکام قصاص، حبس ابد، پرداخت دیه و غرامت، و توقیف اموال را صادر کند و این احکام را در سراسر جهان به عنوان سند رسمی جنایت ثبت نماید. تنها در این صورت است که سفرهای خارجی مقامات متجاوز با خطر مواجهه با احکام قضایی ایران همراه خواهد شد، شرکت‌های بیمه بین‌المللی از پوشش دادن آنان خودداری خواهند کرد، دارایی‌هایشان در هر نقطه از جهان که ایران نفوذ حقوقی دارد قابل توقیف خواهد بود و در درازمدت، بازدارندگی حقوقی مکمل بازدارندگی نظامی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

بدون این قانون، هر تجاوز دیگری در آینده با همین شدت و حتی بیشتر تکرار خواهد شد، زیرا دشمنان خواهند دید که هزینه حقوقی و سیاسی آن صفر است. اما با تصویب این قانون، پیامی روشن و غیرقابل بازگشت به جهان مخابره می‌شود: خون هیچ شهید ایرانی پایمال نمی‌شود، عدالت در جمهوری اسلامی ایران حتی در غیاب مجرم اجرا می‌گردد و هر متجاوزی، در هر مقام و جایگاهی که باشد، روزی باید پاسخگوی جنایت خود در محکمه عدل اسلامی باشد.

این ضرورت، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک تکلیف شرعی، قانونی و ملی است که مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده ملت بزرگ ایران، موظف به اجرای فوری آن است.

بخش دوم: رویه قضایی موفق کشورها در تعقیب کیفری غیابی مقامات بیگانه

در دهه‌های اخیر، در غیاب یک نظام کیفری بین‌المللی کارآمد و به‌ویژه پس از ناکارآمدی شورای امنیت به دلیل حق وتو، چندین کشور با استناد به «اصل صلاحیت جهانی» و «اصل عدم مصونیت مقامات دولتی در جنایات بین‌المللی» راهی نوین برای اجرای عدالت گشودند و نشان دادند که محاکم ملی می‌توانند حتی در برابر قدرتمندترین دولت‌ها و مقامات ارشد آن‌ها ایستادگی کنند و هزینه حقوقی و سیاسی سنگینی بر متجاوزان تحمیل نمایند.

بلژیک در سال ۱۹۹۳ با تصویب قانونی پیشرو، به محاکم خود اجازه داد تا بدون توجه به محل وقوع جرم یا تابعیت مرتکب و مجنی‌علیه، به جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی رسیدگی کنند. این قانون در سال ۲۰۰۱ زمینه شکایت کیفری علیه آریل شارون، نخست‌وزیر

وقت رژیم صهیونیستی، به اتهام نقش مستقیم در کشتار صبرا و شتیلا را فراهم کرد و در سال ۲۰۰۳ چندین شکایت علیه دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا، جرج بوش پدر، کالین پاول و تامی فرانکس فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق به اتهام جنایات جنگی گشوده شد. هرچند فشار بی سابقه آمریکا و تهدید به انتقال مقر ناتو از بروکسل، بلژیک را در سال ۲۰۰۳ به اصلاح قانون واداشت، اما همین دوره کوتاه ثابت کرد که یک قانون ملی صریح می تواند ابرقدرت ها را در سفرهای خارجی شان با خطر بازداشت مواجه کند و حتی وزیر دفاع آمریکا را وادار به لغو سفر رسمی به بروکسل نماید.

اسپانیا با اقدام تاریخی قاضی بالتاسار گارثون در اکتبر ۱۹۹۸، الگویی ماندگار آفرید. گارثون با استناد به اصل صلاحیت جهانی و کنوانسیون های منع شکنجه و ژنو، حکم جلب بین المللی آگوستو پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی، را صادر کرد. پینوشه که برای درمان به لندن سفر کرده بود، به مدت شانزده ماه در بازداشت خانگی قرار گرفت و تنها با استناد به دلایل پزشکی و پس از دخالت مستقیم دولت بریتانیا آزاد شد. این پرونده نه تنها اصل عدم مصونیت رؤسای دولت سابق را در جنایات بین المللی تثبیت کرد، بلکه نشان داد که یک قاضی ملی می تواند با یک حکم ساده، یک دیکتاتور را در هر نقطه از جهان با خطر بازداشت مواجه سازد.

آفریقای جنوبی پس از پایان آپارتاید، قانون اجرای اساسنامه رم دیوان کیفری بین المللی را در سال ۲۰۰۲ به تصویب رساند و در ژوئن ۲۰۱۵، در حالی که عمر البشیر، رئیس جمهور وقت سودان، برای شرکت در اجلاس اتحادیه آفریقا به ژوهانسبورگ سفر کرده بود، دادگاه عالی این کشور دستور بازداشت وی را به اتهام نسل کشی در دارفور صادر کرد. هرچند البشیر با پرواز اضطراری از کشور خارج شد، اما این رویداد برای اولین بار یک رئیس جمهور حاکم را در خاک کشوری ثالث با خطر بازداشت واقعی مواجه کرد و فشار حقوقی عظیمی بر او و حامیانش وارد آورد.

سنگال در سال ۲۰۱۶ با محاکمه و محکومیت حبیب حبیب، رئیس جمهور سابق چاد، به حبس ابد به اتهام جنایات علیه بشریت، تاریخ ساز شد. این اولین و تاکنون تنها پرونده ای است که یک رئیس دولت سابق توسط دادگاه کشوری ثالث محاکمه و به مجازات سنگین محکوم گردید. دادگاه فوق العاده آفریقایی در داکار با رعایت کامل تشریفات آیین دادرسی و با حضور وکیل مدافع، نشان داد که محاکم ملی می توانند حتی در غیاب متهم در مراحل اولیه، عدالت را اجرا کنند.

این رویه جهانی، که مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه یرودیا (۲۰۰۲) و دیوان عالی بریتانیا در قضیه پینوشه نیز قرار گرفته، اثبات می‌کند که جمهوری اسلامی ایران نه تنها از منظر فقهی و قانونی داخلی، بلکه از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و آمره نیز حق کامل دارد که با تصویب قانون صریح، راه تعقیب کیفری غیابی بنیامین نتانیاهو، دونالد ترامپ، فرماندهان سنتکام، رئیس موساد و همه آمران و عاملان جنگ ۱۲ روزه را بگشاید و عدالت را حتی در غیاب مجرمان اجرا نماید.

بخش سوم: امکان‌سنجی در چارچوب نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از چهار منظر کاملاً مستقل و در عین حال هم‌افزا، نه تنها حق، بلکه تکلیف شرعی و قانونی دارد تا قانون جامع تعقیب کیفری غیابی مقامات بیگانه متخاصم را تصویب و اجرا کند: منظر فقه امامیه، منظر قانون اساسی، منظر قوانین موضوعه جزایی و آیین دادرسی کیفری، و منظر حقوق بین‌الملل عرفی و آمره. این چهار منظر به گونه‌ای هماهنگ و مکمل یکدیگرند که تصویب چنین قانونی را به یک ضرورت راهبردی و واجب شرعی و حقوقی تبدیل کرده‌اند.

از منظر فقه امامیه، تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در جنگ ۱۲ روزه مصداق کامل «حرب کافر حربی بر امام مسلمین و امت اسلامی» است. قاعده لاضرر و لاضرار هرگونه ضرر جانی، مالی و حیثیتی به مؤمنین را حرام و رفع آن را واجب می‌داند. قاعده نفی سبیل هرگونه سلطه عملی یا حقوقی کافر بر مؤمن را ممنوع کرده و دفع آن را واجب می‌شمارد. وجوب قصاص و دیات در حق کافر حربی، جواز محاکمه غیابی او، وجوب اعداد قوه قضاییه و حقوقی به عنوان بخشی از «قوة» در آیه شریفه «وَأَعِذُوا لَهُمْ مَا اسْتَظَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، و جواز توقیف اموال متجاوز از احکام مسلم فقه سیاسی شیعه است. سکوت در برابر این جنایات، اعطای سبیل به کافر و ترک واجب احقاق حق شهدا محسوب می‌شود.

از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول متعددی این تکلیف را روشن کرده‌اند. اصل ۱۵۲ نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری را سیاست خارجی کشور قرار داده است. اصل ۱۵۴ حمایت بی‌قید و شرط از مستضعفین جهان و مبارزه با مستکبرین را وظیفه حکومت می‌داند. اصل ۱۵۶ تعقیب و مجازات مجرمین را از وظایف اصلی قوه قضائیه اعلام کرده و اصل ۱۶۱ نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قوانین را تضمین می‌نماید. بنابراین، تصویب قانون تعقیب غیابی، اجرای مستقیم این اصول است.

از منظر قوانین موضوعه، مواد متعددی امکان قانونی چنین اقدامی را فراهم کرده‌اند. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صلاحیت شخصی فعال و اصل حمایتی را پیش‌بینی کرده است. ماده ۸ جنایات علیه امنیت داخلی و خارجی را قابل تعقیب در محاکم ایران می‌داند. ماده ۹ جرایم علیه اتباع و منافع ملی ایران در خارج از کشور را نیز مشمول صلاحیت محاکم ایران قرار داده است. مواد ۴۹۳ تا ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل دادگاه‌های ویژه را با تصویب قانون ممکن ساخته و ماده ۴۰۶ همین قانون محاکمه غیابی را در جرایم مستوجب مجازات‌های سنگین با رعایت تشریفات خاص مجاز شمرده است. بنابراین، با یک قانون خاص، همه این مواد قابل گسترش و تکمیل هستند.

از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و آمره، جمهوری اسلامی ایران نه تنها حق، بلکه می‌تواند پیشگام اجرای عدالت جهانی باشد. ممنوعیت مطلق کاربرد زور (ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد) یک اصل آمره است. اصل مسئولیت کیفری فردی برای جنایت علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت (مستفاد از اصول نورنبرگ ۱۹۴۵ و ماده ۶ و ۷ اساسنامه رم) دیگر یک قاعده آمره است. اصل عدم مصونیت مقامات دولتی در جنایات بین‌المللی (ماده ۲۷ اساسنامه رم و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه یروودیا ۲۰۰۲) به صراحت اعلام شده است. اصل صلاحیت جهانی برای این جنایات (ماده ۵ کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی) به کشورها اجازه می‌دهد حتی بدون ارتباط مستقیم با جرم، تعقیب کنند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بلژیک علیه سنگال (۲۰۱۲) نیز تأیید کرد که کشورها نه تنها حق، بلکه در برخی موارد وظیفه دارند جنایات آمره را تعقیب کنند.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل نه تنها با تصویب این قانون هیچ نقض معاهده‌ای مرتکب نمی‌شود، بلکه به اجرای اصول آمره‌ای کمک می‌کند که قدرت‌های بزرگ از اجرای آن شانه خالی کرده‌اند. این قانون می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای مظلوم جهان شود و نشان دهد که در جهانی که شورای امنیت فلج است، محاکم ملی می‌توانند عدالت را اجرا کنند.

نتیجه نهایی این است که از همه منظرهای فقهی، قانون اساسی، قوانین موضوعه و حقوق بین‌الملل، تصویب قانون جامع تعقیب کیفری غیابی آمران و عاملان جنگ ۱۲ روزه نه تنها جایز و ممکن، بلکه واجب شرعی، قانونی و بین‌المللی است. هرگونه تأخیر در تصویب آن، ترک واجب و اعطای سبیل به دشمنان اسلام و ملت ایران محسوب می‌شود.

بخش چهارم: پیشنهاد دقیق ساختار لایحه

عنوان کامل لایحه «مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت‌ها، نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی بیگانه متخاصم و نحوه تعقیب و محاکمه غیابی آنان در محاکم جمهوری اسلامی ایران همراه با تأسیس دادگاه کیفری یک ویژه جنایات دولت‌های متجاوز و صندوق جبران خسارت شهدای تجاوزات بیگانه)

لایحه جنایات بین‌المللی

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- غیرنظامی: هر شخص یا گروهی که در زمره نیروهای مسلح طرف‌های درگیر محسوب نگردد یا در مخاصمه مسلحانه به طور مستقیم مشارکت نداشته باشد با آشکارا سلاح حمل نکند.

۲- شخص مورد حمایت: شخص غیرنظامی با شخص نظامی که به هر دلیلی مانند زخمی شدن بیماری کشتی شکستگی و سقوط هواپیما در وضعیت رزمی نبوده با خارج از نبرد به شمار می‌رود و توان ادامه نبرد و جنگیدن را ندارد با تسلیم شده و به اسارت درآمده است و یا به هر علت دیگری قادر به شرکت در مخاصمه مسلحانه نیست.

۳- مال مورد حمایت: مال، شی و مکانی که ماهیت غیرنظامی دارد و در جریان مخاصمه مسلحانه از آن به عنوان هدف نظامی استفاده نمی‌شود مانند بیمارستان‌ها، مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها خانه‌ها زیر ساخت‌های حیاتی حساس و مهم از قبیل شبکه‌های توزیع آب برق و بهداشت و پالایشگاه مکان‌های اختصاص یافته برای فعالیت‌های مذهبی، آموزشی، علمی هنری خیریه خبری و رسانه‌ای و فرهنگی - تاریخی و همچنین آثار و بناهای تاریخی و میراث فرهنگی اموال و تجهیزات پزشکی غذایی و بشر دوستانه.

۴- مخاصمه مسلحانه بین‌المللی: هر نوع رویارویی نظامی، اعم از اعلان شده یا نشده و به رسمیت شناخته شده یا نشده، میان نیروهای مسلح دو یا چند دولت یا رژیم حاکم در قلمرو سرزمینی یکی از طرف‌های مخاصمه یا هر دو طرف و یا غیر آن و همچنین میان مردم و نیروهای اشغالگر خارجی، سلطه استعماری و رژیم‌های نژادپرست به منظور اعمال حق تعیین سرنوشت خود.

۵- مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی: رویارویی نظامی میان نیروهای مسلح یک دولت یا رژیم حاکم و نیروهای مسلح مخالف با میان دو یا چند گروه مسلح سازمان‌یافته‌ای که تحت

یک فرماندهی دارای مسئولیت باشد و بخشی از سرزمین آن دولت یا رژیم حاکم را به گونه‌ای پایدار و حداقل شش‌ماه تحت‌کنترل خود درآورد مشروط بر اینکه آن رویارویی، مشمول وضعیت ناآرامی‌ها و تنش‌های داخلی همچون شورش‌ها، آشوب‌ها و اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی مشخص یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نباشد.

ماده ۲ - جنایات بین‌المللی موضوع این قانون شامل نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز می‌شود.

ماده ۳ - ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، به اعتبار هویت گروهی یا عضویت در آن گروه، نسل‌زدایی محسوب می‌شود و مرتکب و آمر در مورد بند (۱) این ماده، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه (۱) و در مورد سایر بندها، به مجازات حداکثر حبس و جزای نقدی درجه (۲) محکوم خواهند شد:

۱. قتل اعضای گروه.

۲. وارد کردن آسیب شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه.

۳. تحمیل عمدی شرایط دشوار بر زندگی اعضای گروه.

۴. جلوگیری از زاد و ولد.

۵. انتقال اجباری کودکان از آن گروه به گروهی دیگر.

ماده ۴ - ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر در چارچوب یک حمله یا تعرض علیه هر جمعیت غیرنظامی به صورت گسترده یا سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد یک برنامه و سیاست عمومی و با علم به حمله گسترده یا سازمان‌یافتگی آن، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکب و آمر در مورد بند (۱) این ماده، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه (۱) و در مورد سایر بندها، به مجازات حداکثر حبس و جزای نقدی درجه (۲) محکوم خواهند شد:

۱ - قتل عمدی.

۲ - نابودسازی از طریق تحمیل عمدی شرایط دشوار بر زندگی به منظور از بین بردن تمام یا بخشی از آن جمعیت غیرنظامی، مانند محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو.

۳ - به بردگی گرفتن و رفتار مالکانه نسبت به انسانی دیگر، مانند خرید و فروش با بهره‌کشی اقتصادی.

۴- اخراج یا انتقال اجباری و کوچاندن جمعیت غیرنظامی بدون دلیل قانونی، از طریق بیرون راندن یا دیگر رفتارهای قهرآمیز، از منطقه‌ای که به صورت قانونی در آنجا حضور دارند.

۵- حبس کردن یا هرگونه محرومیت شدید از آزادی جسمی، برخلاف قانون.

۶- شکنجه و تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روانی بر افراد که در توقیف یا تحت‌کنترل هستند، در غیر از موارد مجازات‌های قانونی، به منظور دریافت اطلاعات، اقرار گرفتن از فرد و یا افراد ثالث یا وادار کردن به انجام کاری.

۷- تجاوز جنسی، برده‌گیری و بهره‌کشی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری به معنای نگهداری غیرقانونی زنی به قصد بارداری اجباری، عقیم کردن اجباری یا دیگر اشکال خشونت جنسی در همان سطح.

۸- ناپدید کردن اجباری و دستگیر کردن، بازداشت یا حبس یا ربودن افراد توسط یک دولت یا رژیم حاکم یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت با رضایت آنها و سپس خودداری از دادن اطلاعات در خصوص محرومیت از آزادی یا سرنوشت یا محل نگهداری آنان به منظور محروم کردن از حمایت قانونی برای مدت طولانی.

۹- جداسازی نژادی (آپارتاید) به معنای ارتکاب هر یک از رفتارهای غیرانسانی موضوع این ماده، در چهارچوب یک وضعیت نهادینه‌شده مشتمل بر ایجاد و یا استمرار سلطه سازمان‌یافته در راستای پیشبرد یک برنامه و سیاست عمومی توسط یک گروه نژادی علیه یک گروه با گروه‌های نژادی دیگر، به قصد حفظ و نگهداری آن وضعیت.

۱۰- سایر رفتارهای غیرقانونی غیرانسانی با ویژگی مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن یا سلامت جسمی یا روانی افراد صورت گیرد.

تبصره - وضع یا اعمال یا برنامه‌ریزی یا تبعیت از تحریم‌های یک جانبه، اعم از اقتصادی، تجاری، بانکی، حمل و نقل توسط یک دولت یا گروهی از دولت‌ها که نوعاً منجر به آسیب یا تضييع یا محروم کردن آحاد ملت از حقوق بنیادین بشر از جمله دسترسی به کالاها و اقلام اساسی غذایی و کشاورزی، بهداشتی، دارویی، بشر دوستانه و تجهیزات حمل و نقل هوایی شود، در حکم جنایت علیه بشریت است و مشمول مجازات بند (۱۰) این ماده خواهد بود.

ماده ۵- ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر در ارتباط و با اطلاع از شرایط حاکم بر مخاصمات مسلحانه و علیه اشخاص و اموال مورد حمایت قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای

معروف به قرارداد ژنو مصوب ۱۳۳۴ به صورت گسترده یا سازمان یافته و در راستای پیشبرد یک برنامه با سیاست عمومی، جنایت جنگی محسوب می شود؛

الف - در مخاصمات مسلحانه بین المللی:

۱ - قتل عمدی.

۲ - کشتن یا زخمی کردن افراد نظامی یا غیرنظامی طرف مخاصمه، به صورت قریب کارانه.

۳ - کشتن یا زخمی کردن رزمنده ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله ای برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است.

۴ - تحمیل گرسنگی به جمعیت غیرنظامی به عنوان روش جنگی با محروم کردن آنان از موادی که برای ادامه حیاتشان ضروری است، از جمله جلوگیری عامدانه از رسیدن کمک های امدادی پیش بینی شده در معاهده (کنوانسیون) های ژنو.

۵ - به کار بردن سلاح ها، پرتابه ها، مواد و روش های جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد بوده با موجب درد و رنج غیرضروری می شوند، از جمله به کار بردن سم یا سلاح های سمی، استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها، مایعات، مواد و ابزارها با اثر مشابه، استفاده از گلوله هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می شود، مانند گلوله های دارای پوسته سخت که تمام هسته را نمی پوشاند یا آن که شکاف هایی روی پوسته آن ایجاد شده است و همچنین به کار بردن مواردی که ذاتاً ناقض اصل تفکیک باشد.

۶ - استفاده از سلاح هایی که صرف نظر از منشأ یا روش تولیدشان از عوامل میکروبی یا دیگر عوامل زیستی یا سموم استفاده می کنند با استفاده از سلاح هایی که اثر اولیه آنها آسیب زدن به وسیله قطعاتی است که در بدن انسان قابل تشخیص نیستند با استفاده از سلاح های لیزری که تنها عملکرد یا یکی از عملکردهای نظامی آنها ایجاد ناتوانی جسمی با ایجاد نابینایی دائمی برای چشم غیرمسلح باشد.

۷ - شکنجه با رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش های زیست شناختی.

۸ - ارتکاب تجاوز جنسی، برده گیری و بهره کشی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری یا دیگر اشکال خشونت جنسی.

۹ - هدایت عمدی حملات به سمت جمعیت غیرنظامی یا اموال مورد حمایت.

۱۰- هدایت عملیات به سمت کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها یا وسایل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشر دوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح به‌موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند، مادامی که به‌موجب حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از حمایتی برخوردارند که به جمعیت غیرنظامی یا اموال غیرنظامی داده شده است.

۱۱- هدایت عملیات به سمت ساختمان‌ها، واحدها، مواد، تجهیزات و وسایل نقلیه پزشکی - درمانی و افرادی که نشان‌ها و علامت‌های درج‌شده در قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو مصوب ۱۳۳۴ به کار می‌برند؛

۱۲- هدایت عملیات به سمت تأسیسات هسته‌ای؛

۱۳- اجرای عملیات حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به جمعیت غیرنظامی یا خسارت به اموال غیرنظامی یا خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط‌زیست می‌شود و در مقایسه با مجموع مزیت‌های نظامی مستقیم و قطعی پیش‌بینی‌شده، مسلماً بیش از اندازه است.

۱۴- هرگونه حمله به شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌های بی‌دفاع که اهداف نظامی نیستند.

۱۵- سوءاستفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم با نشان‌های نظامی و لباس‌های متحدالشکل طرف مخاصمه یا سازمان ملل متحد یا نشان‌ها و علامت‌های درج‌شده در قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو مصوب ۱۳۳۴، به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به افراد شود.

۱۶- استفاده از حضور افراد غیرنظامی یا سایر اشخاص مورد حمایت در مقابل عملیات نظامی، برای مصون نگاه داشتن برخی نقاط خاص، مناطق یا نیروهای نظامی.

۱۷- اعلان مبنی بر زنده نماندن افراد یا اعلان تخلیه شهر.

۱۸- در معرض نقص بدنی با انجام هر نوع آزمایش پزشکی با علمی قرار دادن شخصی که تحت سلطه طرف دیگر است، در حالی که درمان پزشکی شخص موردنظر آن را توجیه نمی‌کند یا در جهت منفعت وی نیست و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص می‌شود.

۱۹- ایجاد رنج شدید یا آسیب جدی به سلامت جسمانی یا روانی افراد.

۲۰- گروگان‌گیری غیرنظامیاتی که در مخاصمه مسلحانه مشارکت مستقیم ندارند.

- ۲۱- غارت شهر یا محل، حتی اگر از طریق حمله نظامی تصرف شده باشد.
- ۲۲- تخریب یا تصاحب گسترده اموال اشخاص، بدون ضرورت نظامی و به صورت غیرقانونی و خودسرانه.
- ۲۳- هدایت عمدی حملات به سمت اماکن مورد حمایت.
- ۲۴- به کارگیری اجباری کودکان برای خدمت در گروه‌ها یا نیروهای مسلح با استفاده اجباری از آنان برای شرکت فعالانه در مخاصمات.
- ۲۵- اقدام قدرت اشغالگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی‌اش به سرزمینی که شغال می‌کند یا اخراج یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از سرزمین اشغالی.
- ۲۶- تخریب یا توقیف اموال عمومی و دولتی طرف مخاصمه، مگر آن که ضرورت‌های جنگ ایجاب نماید.
- ۲۷- اجبار اسرای جنگی یا دیگر افراد مورد حمایت، به خدمت در نیروهای مسلح متخاصم.
- ۲۸- محروم کردن اسیر جنگی یا شخص مورد حمایت از حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه و قانونی.
- ۲۹- اخراج، انتقال یا نگهداری غیرقانونی.
- ۳۰- اعلان الغاء، تعلیق یا عدم اعتبار حقوق و اقدامات حقوقی اتباع طرف مخاصمه در مراجع قضایی.
- ۳۱- اجبار اتباع طرف مخاصمه به شرکت در عملیات جنگی علیه کشورشان، هر چند آنان پیش از شروع جنگ در خدمت آن دولت یا رژیم حاکم بوده‌اند.
- ۳۲- هتک کرامت انسانی افراد به‌ویژه رفتار اهانت‌آمیز و تحقیر آمیز.
- ب - در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی
- ۱ - رفتارهای موضوع بند (الف) این ماده، غیر از موارد مذکور در بندهای (۳)، (۱۲)، (۲۵)، (۲۷)، (۲۸)، (۳۰) و (۳۱) یادشده.
- ۲ - صدور حکم به مجازات سالب حیات علیه افراد مورد حمایت، بدون رعایت تشریفات قانونی.

۳- دستور به کوچ اجباری جمعیت غیرنظامی به دلایل مرتبط با مخاصمه، مگر آن که امنیت جمعیت موردنظر یا ضرورت‌های نظامی چنین اقتضا کند.

تبصره - هیچ یک از مقررات راجع به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، تأثیری بر صلاحیت دولت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظم در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت قلمرو سرزمینی با تمام ابزارهای قانونی نخواهد گذاشت.

ماده ۶ - مرتکب و آمر جنایت جنگی، حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد:

الف - در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی موضوع بند (الف) ماده (۵) این قانون:

۱. در مورد بندهای (۱) تا (۱۵)، به حبس و جزای نقدی درجه ۱.

۲. در مورد بندهای (۱۶) تا (۲۱)، به حبس و جزای نقدی درجه ۲.

۳. در مورد بندهای (۲۲) تا (۲۶)، به حبس و جزای نقدی درجه ۳.

۴. در مورد بندهای (۲۷) تا (۳۲)، به حبس و جزای نقدی درجه ۴.

ب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، موضوع قسمت (ب) ماده (۵) این قانون:

۱. در مورد بند (۱)، به همان مجازات مقرر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی.

۲. در مورد بند (۲)، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه ۱.

۳. در مورد بند (۳)، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه ۲.

تبصره - در صورت ارتکاب جنایت موضوع ماده (۵) این قانون، شخصی که دارای سمت رسمی فرمانده یا آمر یا توانایی کنترل کامل نیروهای تحت امر خود را به عهده دارد، به حداکثر مجازات مباشر محکوم می‌گردد.

ماده ۷ - ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر یا برنامه‌ریزی، تدارک یا آغاز آن رفتارها علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور، از سوی شخصی که می‌تواند به نحو موثری عمل سیاسی یا نظامی یک دولت با رژیم حاکم را کنترل یا هدایت کند، قطع نظر از این که اعلان جنگ شده یا نشده باشد، جنایت تجاوز محسوب می‌شود و مرتکب و آمر به حبس و جزای نقدی درجه یک محکوم خواهند شد.

۱- یورش یا حمله نیروهای مسلح یک دولت یا رژیم حاکم به قلمرو دولت دیگر یا هرگونه اشغال نظامی، هر چند موقت، که ناشی از چنین یورش یا حمله‌ای باشد، یا هرگونه الحاق غیرقانونی کلی یا جزئی سرزمین دولت دیگر با استفاده از زور.

۲- بمباران کردن قلمرو دولت دیگر توسط نیروهای مسلح یک دولت یا رژیم حاکم با استفاده از هرگونه سلاح به وسیله یک دولت یا رژیم حاکم بر ضد قلمرو دولت دیگر.

۳- محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت یا رژیم حاکم دیگر.

۴- حمله نیروهای مسلح یک دولت یا رژیم حاکم علیه نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یا ناوگان‌های هوایی و دریایی دولت دیگر.

۵- استفاده از نیروهای نظامی یک دولت یا رژیم حاکم که با موافقت دولت دیگر در قلمرو آن دولت قرار دارد، برخلاف شرایط مقرر در موافقت‌نامه یا هرگونه تمديد حضور آنها در آن سرزمین پس از انقضای موافقت‌نامه.

۶- عمل یک دولت که سرزمینش را در اختیار دولت دیگر قرار داده توسط آن دولت برای عمل تجاوز کارانه علیه دولت ثالث مورد استفاده قرار بگیرد.

ماده ۸- مجازات معاونت یا شروع به جنایات موضوع این قانون، به استثنای موارد مندرج در ماده (۷) این قانون، بر اساس آثار یا گستردگی ارتکاب جنایت ارتكابی، یک درجه پایین‌تر از مجازات هر یک از جنایات مذکور است.

ماده ۹- دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های اصلی مقرر برای مرتکبین جنایات موضوع این قانون، متناسب با خصوصیات مرتکب و جرم ارتكابی حداکثر به دو مورد از مجازات‌های محرومیت‌های حقوق اجتماعی، تکمیلی یا تبعی موضوع مواد (۲۳) و (۲۶) قانون مجازات اسلامی محکوم نماید.

ماده ۱۰- مجازات‌های مقرر در این قانون، مشمول هیچ یک از نهادهای ارفاقی از قبیل تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط و همچنین مشمول مرور زمان نخواهند شد.

ماده ۱۱- اشخاص حقوقی چنانچه مرتکب جنایات موضوع این قانون شوند، علاوه بر انحلال و مصادره کل اموال، به جزای نقدی درجه (۱) محکوم می‌شوند. مسئولیت اشخاص حقوقی رافع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جنایات موضوع این قانون نخواهد بود.

ماده ۱۲ - اعمال مجازات‌های مندرج در این قانون، مانع مطالبه خسارات مادی، معنوی و تنبیهی نخواهد بود.

ماده ۱۳ - در صورتی که محکومان به جزای نقدی موضوع این قانون، ظرف مهلت‌های مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به پرداخت جزای نقدی مقرر نکنند و امکان شناسایی، توقیف و فروش اموال آنان نباشد، جزای نقدی آنها به حبس تبدیل می‌شود. در هر صورت، حبس بدل از جزای نقدی نباید بیشتر از (۱۰) سال باشد.

ماده ۱۴ - دادگاه‌های ایران در موارد زیر، دارای صلاحیت رسیدگی به جنایات موضوع این قانون مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران هستند:

- ۱ - جنایت در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران واقع شده باشد.
- ۲ - جنایت علیه امنیت، تمامیت ارضی، استقلال با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران واقع شده باشد.
- ۳ - جنایت توسط اتباع ایرانی یا علیه آنان ارتکاب یافته باشد.

۴ - مرتکب در ایران حضور داشته باشد یا دستگیر شود و یا به ایران مسترد شود.

تبصره ۱ - در غیر از موارد مذکور در این ماده، دادستان کل کشور می‌تواند با رعایت ترتیبات اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید.

تبصره ۲ - در صورتی که مرتکب به سبب هر یک از رفتارهای مجرمانه موضوع این قانون در دادگاه صالح خارجی محاکمه و حکم قطعی صادر شده باشد، تعقیب مجدد در دادگاه‌های ایران ممنوع است، مگر آنکه رسیدگی انجام شده به طور واقعی و مؤثر صورت نگرفته باشد یا حکم صادره صوری بوده و عدالت کیفری را تأمین ننموده باشد یا مجازات صادره با مجازات‌های این قانون، متناسب نباشد. در مواردی که حکم قطعی در مورد مرتکب اجرا شده باشد، به میزان مجازات اجرا شده در حکم مرجع قضایی صالح داخلی احتساب خواهد شد.

ماده ۱۵ - رسیدگی به تمامی جنایات موضوع این قانون، حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه نظامی یک تهران است.

ماده ۱۶ - رئیس قوه قضاییه موظف است شعبه یا شعب تخصصی را برای رسیدگی به جنایات موضوع این قانون در تهران، حسب مورد در دادگاه کیفری یک یا دادگاه نظامی یک

تعیین کند. قضات این شعب باید حداقل دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و ترجیحاً دارای تخصص کافی در حوزه حقوق کیفری بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل عمومی باشند.

ماده ۱۷ - رسیدگی به جنایات موضوع این قانون، مطابق قوانین آیین دادرسی است؛ مگر آن که در این قانون به نحو دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۸ - در تمامی جنایات موضوع این قانون، تشکیل پرونده شخصیت مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری الزامی است.

ماده ۱۹ - دادگاه رسیدگی کننده به جنایات این قانون در صورت درخواست متضرر از هر یک از جنایات موضوع این قانون با تقدیم دادخواست و بدون نیاز به پرداخت هزینه دادرسی، مبادرت به صدور حکم به پرداخت خسارت می‌کند.

ماده ۲۰ - در تمامی جنایات موضوع این قانون، اموال زیر ضبط می‌شود:

۱. اموال موضوع جرم و عواید ناشی از آن.
۲. آلات و ادوات استفاده شده در ارتکاب جرم یا آلات و ادواتی که مقصود از آن ارتکاب جرم بوده باشد.
۳. اموال استفاده شده با تخصیص داده شده برای جرم یا اموالی که مقصود از آن این موارد باشد.

تبصره ۱ - چنانچه اموال یا عواید جرم به شخص ثالث با حسن نیت انتقال یابد، یا امکان ضبط عین اموال وجود نداشته باشد، معادل ارزش آن در زمان اجرای حکم از سایر اموال مرتکب ضبط می‌شود.

تبصره ۲ - چنانچه اموال موضوع این ماده با اموال قانونی امتزاج یافته به نحوی که امکان تفکیک آن وجود نداشته باشد، پس از کسر هزینه‌های قانونی به میزان اموال قانونی از حاصل فروش به مالک مسترد می‌شود.

ماده ۲۱ - دادستان مکلف است اموال موضوع ضبط یا مصادره و همچنین دیگر اموال متعلق به مرتکب به میزان جزای نقدی به علاوه ارزش معادل اموال موضوع ضبط یا مصادره را به هر طریقی از جمله کنترل حساب‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و همکاری یا معاضدت بین‌المللی شناسایی و توقیف کند چنانچه امکان شناسایی، تعقیب، محاکمه یا محکومیت متهم به جرم وجود نداشته باشد یا از کشور متواری یا اینکه به وی

دسترسی وجود نداشته یا دسترسی به وی متعذر باشد یا موجب تأخیر در تعیین تکلیف اموال شناسایی یا توقیف شده شود یا پرونده به هر نحوی در دادسرا مختومه گردد، مراتب را جهت ضبط یا اتخاذ هرگونه تصمیم در خصوص اموال شناسایی یا توقیف شده حسب مورد به دادگاه کیفری یا نظامی یک اعلام دارد. دادگاه بر اساس ادله اثبات در امور حقوقی به اموال مذکور رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌کند.

ماده ۲۲- رسیدگی به اعتراض توقیف اموال و اعتراض اشخاص ثالث در خصوص ضبط یا مصادره اموال، حسب مورد در دادگاه کیفری یا نظامی یک مطابق مقررات رسیدگی می‌شود.

ماده ۲۳- تمامی عواید مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از ارتکاب جنایات موضوع این قانون، بدون وارد کردن لطمه به حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت، مصادره می‌شود. عواید مصادره شده برای جبران خسارات مادی و معنوی قربانیان ارتکاب این جنایات، اختصاص داده می‌شود.

ماده ۲۴- مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد در خصوص عناوین مجرمانه موضوع ماده (۱۱) قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت مصوب ۱۳۹۹، مجری خواهد بود.

ماده ۲۵- آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن، توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت‌خانه‌های اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

بخش پنجم: آثار راهبردی تصویب لایحه برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران

تصویب لایحه جنایات بین‌المللی فراتر از یک اقدام قضایی، یک عملیات راهبردی در عمق دفاع ملی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران است و آثار چندلایه و بلندمدتی در حوزه‌های سیاسی، حقوقی، نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و اخلاقی به دنبال خواهد داشت.

نخستین و مهم‌ترین اثر، ایجاد بازدارندگی حقوقی مکمل بازدارندگی نظامی است. تا پیش از این قانون، دشمنان می‌دانستند که هزینه حقوقی و سیاسی تجاوز مستقیم به خاک ایران تقریباً صفر است؛ شورای امنیت فلج، دیوان کیفری بین‌المللی بی‌صلاحیت و محاکم ملی کشورهای ثالث بی‌انگیزه. اما با لازم‌الاجرا شدن این قانون، هر مقام ارشد سیاسی یا نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی پیش از هر تصمیم تجاوزکارانه باید این پرسش را از خود بپرسد:

«اگر ایران فردا مرا به اعدام یا حبس ابد غیابی محکوم کند، آیا سفر به ۱۹۰ کشور جهان برایم امن خواهد بود؟ آیا دارایی‌هایم در بانک‌های اروپایی، آسیایی و حتی آفریقایی توقیف خواهد شد؟ آیا شرکت‌های بیمه بین‌المللی از پوشش دادن من خودداری خواهند کرد؟» این پرسش، هزینه تصمیم‌گیری تجاوز را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد و به همان اندازه که موشک‌های دوربرد ایران بازدارنده‌اند، این قانون نیز در سطح راهبردی بازدارنده خواهد بود.

دومین اثر، تبدیل شدن ایران به پیشگام عدالت جهانی در عصر سلطه استکبار است. در شرایطی که قدرت‌های بزرگ با سوءاستفاده از حق وتو، خود را از هر محاکمه‌ای مصون کرده‌اند، جمهوری اسلامی ایران با صدور احکام قضایی مستند، مستدل و مبتنی بر فقه، حقوق بین‌الملل و اسناد غیرقابل انکار، پرچم عدالت را در دست خواهد گرفت و به ملت‌های مظلوم جهان نشان خواهد داد که حتی در غیاب یک نظام قضایی بین‌المللی عادلانه، می‌توان متجاوزان را به محاکمه کشید. این اقدام، جایگاه اخلاقی و معنوی ایران را در جهان اسلام و جنبش عدم تعهد به شدت ارتقا می‌دهد و الگویی عملی برای کشورهای چون یمن، سوریه، عراق، لبنان، ونزوئلا و کوبا خواهد شد.

سومین اثر، تکمیل جنگ حقوقی و رسانه‌ای با جنگ سخت است. هر حکم اعدام یا حبس ابد غیابی که از دادگاه ویژه صادر شود، به سندی بین‌المللی تبدیل می‌گردد که در سازمان ملل، سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد و همه سفارتخانه‌های ایران منتشر خواهد شد. این سند، روایت رسمی و حقوقی جنایت را از انحصار رسانه‌های غربی خارج می‌کند و برای دهه‌ها در آرشیوهای بین‌المللی باقی می‌ماند. بنیامین تئانیاهو، دونالد ترامپ یا هر فرمانده سنتکام دیگر، تا پایان عمر با عنوان «محکوم به اعدام غیابی توسط دادگاه جنایات متجاوزین تهران» شناخته خواهند شد و این لکه ننگ حقوقی، حتی اگر هرگز در خاک ایران بازداشت نشوند، همراه آن‌ها خواهد بود.

چهارمین اثر، فشار اقتصادی و مالی مستقیم بر متجاوزان و حامیان آن‌هاست. توقیف دائم اموال، حساب‌های بانکی، کشتی‌ها و هواپیماهای متعلق به دولت متجاوز یا اشخاص محکوم‌شده در قلمرو ایران، و همچنین جزای نقدی سنگین علیه شرکت‌های تسلیحاتی، میلیارد‌ها دلار دارایی را از دسترس دشمن خارج می‌کند و بخشی از آن را به صندوق جبران خسارت شهدا واریز می‌نماید. این اقدام، چرخه مالی جنگ علیه ایران را مختل می‌کند و شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی را در تصمیم‌گیری برای فروش سلاح به دشمنان ایران دوبار فکر خواهد کرد.

پنجمین اثر، تقویت اتحاد و انسجام ملی و ارتقای روحیه مقاومت است. خانواده‌های معظم شهدای جنگ ۱۲ روزه و همه شهدای تجاوزات بیگانه خواهند دید که خون فرزندان‌شان پایمال نشده و حاکمیت اسلامی حتی در غیاب مجرمان، عدالت را اجرا کرده است. این حس احقاق حق، سرمایه اجتماعی نظام را به شدت افزایش می‌دهد و پیامی روشن به نسل جوان می‌فرستد که جمهوری اسلامی در دفاع از خون شهدا هیچ‌گاه کوتاه نمی‌آید.

ششمین اثر، ایجاد فشار پایدار بر دولت‌های ثالث است. وقتی یک مقام ارشد آمریکایی یا صهیونیستی در لیست تحت تعقیب قضایی ایران قرار گیرد، کشورهای میزبان سفر او با دوراهی جدی مواجه می‌شوند: یا او را نپذیرند، یا با واکنش دیپلماتیک و حقوقی ایران روبه‌رو شوند. این فشار، دایره امن جغرافیایی متجاوزان را به شدت محدود می‌کند و حتی متحدان ظاهری آن‌ها را به احتیاط وامی‌دارد.

در نهایت، این قانون جنگ نرم و جنگ سخت را به یک استراتژی واحد تبدیل می‌کند. همان‌طور که موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایران دشمن را در بعد نظامی باز می‌دارند، احکام قضایی این دادگاه ویژه نیز در بعد حقوقی، سیاسی و اخلاقی او را فلج خواهند کرد. تصویب این لایحه، نقطه عطفی در تاریخ دفاع مقدس ملت ایران خواهد بود و نشان خواهد داد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها در میدان نبرد نظامی، بلکه در میدان عدالت جهانی نیز قدرتی غیرقابل انکار و پیشرو است.

نتیجه‌گیری و درخواست از مجلس محترم

جنگ ۱۲ روزه سال ۱۴۰۴ شمسی نقطه اوج دشمنی آشکار دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی علیه خاک، ملت و کیان جمهوری اسلامی ایران بود. دشمنان با تمام توان نظامی، اطلاعاتی و سایبری خود به تأسیسات حیاتی، پایگاه‌های دفاعی و جان فرماندهان عالی‌رتبه و شهروندان بی‌گناه تجاوز کردند، بیش از یک هزار و یکصد شهید تقدیم انقلاب شد و خسارات دویست میلیارد دلاری به کشور وارد آمد. این جنایت، از منظر فقه امامیه مصداق «حرب کافر حربی»، از منظر حقوق بین‌الملل آمره مصداق «جنایت علیه صلح و بشریت»، و از منظر قانون جزایی ایران مصداق جرایم موضوع مواد ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی است.

در جهانی که شورای امنیت فلج و دیوان کیفری بین‌المللی بی‌صلاحیت است، تنها راه احقاق حق شهدا، جلوگیری از تکرار تجاوز و تکمیل بازدارندگی نظامی با بازدارندگی حقوقی، تصویب فوری لایحه جامع ۴۲ ماده‌ای «مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت‌ها، نهادها و اشخاص بیگانه متخاصم» است. این لایحه کاملاً منطبق بر قاعده لاضرر، نفی سبیل، اصول ۱۵۲، ۱۵۴ و ۱۵۶

قانون اساسی، مواد ۵، ۸ و ۹ قانون مجازات اسلامی، و اصول آمره حقوق بین‌الملل است و هیچ منع شرعی، قانونی یا بین‌المللی ندارد.

تصویب این لایحه خون شهدای جنگ ۱۲ روزه را از پایمال شدن نجات می‌دهد، هزینه حقوقی تجاوز را برای همیشه بالا می‌برد، ایران را به پیشگام عدالت جهانی تبدیل می‌کند و پیامی قاطع به دشمنان می‌فرستد که هر قطره خون ایرانی با عدالت اسلامی پاسخ داده خواهد شد.

لذا از مجلس شورای اسلامی به عنوان خانه ملت و حافظ حقوق اساسی شهروندان تقاضا می‌شود:

۱. لایحه پیوست را به عنوان **لایحه یک فوریتی** در اولین جلسه علنی اعلام وصول فرمایند.
۲. کمیسیون‌های حقوقی و قضایی و امنیت ملی و سیاست خارجی ظرف حداکثر یک هفته گزارش خود را به صحن ارائه دهند.
۳. کارگروه مشترک فوری با حضور نمایندگان محترم قوه قضائیه، وزارت امور خارجه، ستاد کل نیروهای مسلح و مرکز پژوهش‌های مجلس تشکیل گردد.
۴. لایحه در صحن علنی با اولویت فوق‌العاده بررسی و به تصویب نهایی برسد تا دادگاه ویژه بلافاصله تشکیل و اولین احکام علیه بنیامین نتانیاهو، دونالد ترامپ، فرماندهان سنتکام و عاملان مستقیم جنگ ۱۲ روزه صادر شود.

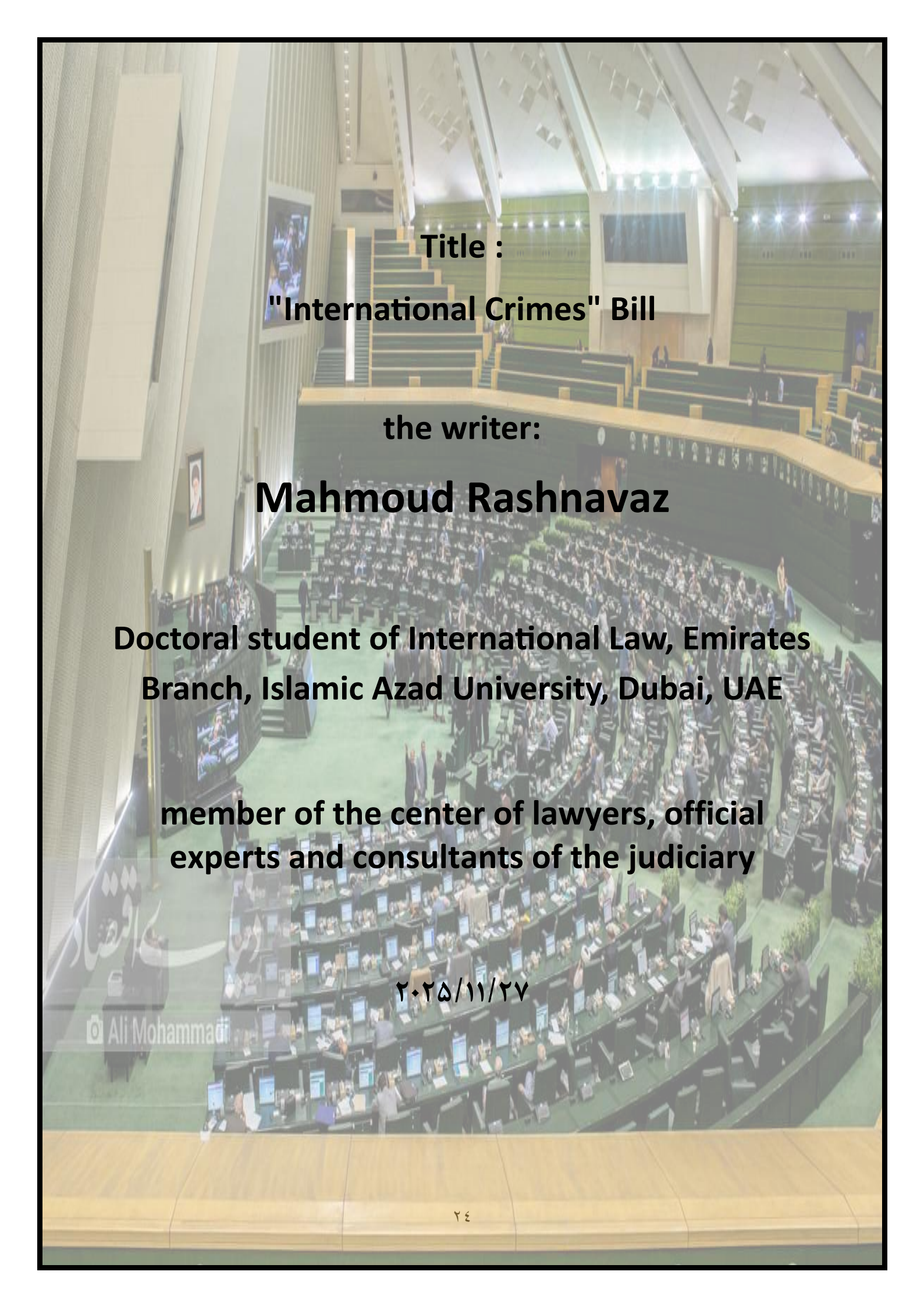
ملت ایران چشم‌انتظار اجرای عدالت است و تاریخ قضاوت خواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته گروه پیشنهاددهنده هفتم آذر ماه یکهزار و چهارصد و چهار شمس



دکتر محمود رشنواز، وکیل پایه یک دادگستری

www.Rashnavaz.com



Title :

"International Crimes" Bill

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official
experts and consultants of the judiciary**

۲۰۲۵/۱۱/۲۷

 **Ali Mohammadi**